

We salute those cries that have no tribune but the streets

We salute the chests sacrificed for emancipation by facing bullets

We salute the tears of mothers who have no advocates but our cries

Oh, how I wish I were there with you today to support this protest in person

Comrades!

Despite the physical distance that separates us, our distanced hearts are closer to one another than our own veins are to our necks. This is because we have ideals which connect us more deeply than any distance may ever divide us. Today, as we come together all around the world, we have only one duty before us; to be the voice of nations and classes which have nothing to lose but the oppression that they have endured under this regime. Women, workers, and queers are being sentenced for crimes which is no crime at all. Today, when I, as an Arab worker, cry out about the sufferings of women and queers, it is not to exploit your experience with a masculine voice, the voice of a man. It is an outcry, for our shared pain and suffering, for the shared pain that, if we do not speak about it today, we will never be able to express it tomorrow. If we fail today to talk about the oppressed nations, tomorrow the rulers will choose to speak on our behalf and will eliminate us again. We are obliged now to turn our pain into shields, and our suffering into ideas and creativity so that we become ever closer to each other. This revolutionary uprising in the streets of Iran is against the patriarchal blades of death. These are the blades which exploit workers with the force of capital, and which kill women like Jina, here with the blade of ownership. This is how JINA becomes our symbol of emancipation.

There are those who attempt with all their might, with their symbols and maps and monarchs and autocratic leaders, to tell us that we are in this fight together: Beware, this is a pathetic lie. In the last forty years, have they recognised our pains? No, in the past forty years the fans of the Pahlavi dynasty always called for 'protest' appealing to the ideas like a superior race and their fatherland, but no one in Iran has taken their calls seriously. After ten years of agonising pain of imprisonment, torture, humiliation and neglect, our movement has now succeeded in reconstructing its identity in street protests. Reactionaries want to profit from our pain like a bunch Hyenas so that, together with the most racist and exploitative groups in Europe, the USA, Israel, and the regional *bourgeoisie*, they may once again steal our revolution. But we have learned our lessons from the 1979 revolution, and we know that to give up the fight against tyranny will mean nothing but the confiscation of the revolution. Today, each and every one of us has the responsibility to draw a line against racism and chauvinism in the most clear and distinct way. We shall never be afraid of being too few or of the mainstream media boycotting us. Our distance from victory is no bigger than our fear, fear which always limits who we may be.

This is in the memory of all the women and men who shouted fearlessly in Kurdistan, and along with the Brave Balochi people who turned their Friday prayers into a protest-tradition in their hometowns, and alongside Arab comrades who are jailed in prisons in Ahwaz, and with all the freedom fighters who are in Iran's prisons, those who sow the seeds of bravery in our streets and the youth who water them with their blood so we can have a liberated future.

Today acknowledge your collective presence as well as your political positions as each of our outcries represents a martyr who gave their lives to stand strong against the oppressors. We are all

too familiar with the oppressors, whether they wear turban or royal crowns. We know them well since we have not forgotten our history.

I wish I knew how to pronounce the symbols of emancipation in all the languages my comrades speak: in Lori, Gilaki, Balochi, Turkish, and etc. However, sadly, I can only say that in three languages and in three words:

المراه الحياه الحريه

ژن ژيان.آزادى

زن زندگى آزادى

Woman life freedom

Viva oppressed nations

Viva workers movement

Viva freedom

Viva Equality

Your comrade, your fellow-activist in your struggles and in your sufferings

Meythem Al Mehdi, an Arab Worker

---

متن فارسی پیام میثم

درود بر فریادهایی که جز خیابان تریبون ندارند

درود بر تمام سینه‌هایی که نذر گلوله‌ها شدند

درود بر اشک مادرانی که جز فریادهایمان دادرسی ندارند

ای‌کاش کنار شما بودم و همراه شما در خیابان فریاد خشم سر می‌دادم.

رفقا! اگرچه مسافت میان ما زیاد است، اما قلب‌هایمان از مویرگ گردن نیز به هم نزدیکتر است، چون آرمان‌هایی داریم که بیش از تفرقه ما را به هم نزدیک می‌کند. ما امروز در سراسر دنیا اگر گردهم می‌آییم، یک وظیفه داریم و آن [اینکه] انعکاس صدای ملل و اقشاری باشیم که جز ستم در آن نظام چیزی نصیب‌شان نشد. زنان، کارگران، کوییرها به جرم نا-جرم محکوم هستند. من بعنوان یک کارگر عرب اگر امروز فریاد می‌زنم: زنان و کوییرها، این استثمار درد شما از نگاه مردانه نیست. این فریاد درد مشترک است، درد مشترکی که اگر امروز در مورد آن حرف نزنیم، فردا اجازه‌ی صحبت‌کردن به ما نخواهند داد. امروز اگر از ملل تحت ستم نگوئیم فردا به جای ما حرف می‌زنند و تصمیم می‌گیرند و حذف خواهند کرد. ما موظف هستیم از دردهایمان سپر بسازیم و از رنج‌هایمان ایده...تا از هر زمانی بیشتر به هم نزدیک شویم. این خیزش انقلابی که در خیابان‌های ایران است، خیزشی علیه تیغ مرگ مردسالاری است که کارگران را با سرمایه‌ی خود استثمار می‌کند و ژیناها را با تیغ تملک به قتل می‌رساند. اینچنین است که ژینا می‌شود رمز رهایی ما.

اگر امروز با اسم و نقشه و شاه و رهبر می‌خواهند به ما بگویند که همه ما با هم هستیم [این] دروغی‌ست باورنکردنی. در طول چهل سال گذشته آیا دردهای ما را به رسمیت می‌شناختند؟ در طول چهل سال گذشته همیشه پهلوی‌چی‌ها با اسم وطن و نژاد برترم فراخوان می‌دادند اما کسی به فراخوان‌های آن‌ها در ایران اهمیت نمی‌داد. امروز وقتی که جنبش ما، که در طول ده‌سال گذشته با مشقت و درد و زندان و شکنجه و تحقیرها و نادیده گرفته شدن‌ها توانست هویت اعتراضی خود را در خیابان بازسازی کند و فریادهایش را به خیابان بکشد، می‌خواهند گفتارگونه حاصل رنج‌های ما را استثمار کنند تا در کنار مستثمرترین و

نژادپرست‌ترین جریان‌های اروپا و ایالات متحده آمریکا و اسرائیل و بورژوازی منطقه انقلاب ما را بدزدند. ما از ۵۷ آموختیم که کوتاه آمدن در برابر استبداد یعنی مصادره‌ی انقلاب. امروز تکتک ما موظف هستیم مرزبندی‌های خود را با نژادپرستی و شوونیسم مشخص، واضح و روشن کنیم. هرگز از کم بودن نترسیم، هرگز از بایکوت‌شدن نترسیم. فاصله‌ی ما با پیروزی غلبه بر ترس‌های ماست؛ ترس‌هایی که همیشه می‌خواهند ما را محدود کنند. به یاد تکتک زنان و مردانی که با شجاعت در کوردستان فریاد می‌زنند، همراه ملت بلوچ که جمعه‌ها را تبدیل به سُنّت اعتراضی کرد، همراه با رفقای عرب‌مان که امروز در زندان‌های اهواز در اسارت به سر می‌برند و تمام آزادی‌خواهانی که از هر ملّتی در زندان‌های ایران هستند و برای آزادی فردایمان بذر شجاعت در خیابان‌ها کاشتند، جوانانی که آن را با خون خود آبیاری کردند تا فردای آزاد داشته باشیم.

امروز قدر این حضورتان و موضع‌های سیاسی‌تان را بدانید که هر فریاد ما نماینده‌ی خون‌شهادی است که در خیابان‌ها جان دادند تا علیه ستمگران بایستند- ستمگران با عمامه باشند و یا با تاج سلطنت، ما آن‌ها را خوب می‌شناسیم چون تاریخ‌مان را فراموش نکرده‌ایم.

ای‌کاش رمز رهایی را بلد بودم با تمام زبان‌های هم‌زمان‌ام بگویم؛ به لُری، به گیلکی، به ترکی، به بلوچی و ... اما متأسفانه فقط به سه زبان بلدم بگویم:

المرأة، الحياة، الحریه

زن، زندگی، آزادی

ژن، ژیان، نازادی

زنده‌باد ملل تحت ستم!

زنده‌باد جنبش کارگری!

زنده‌باد آزادی!

زنده باد برابری!

رفیق، و همدرد و همرنج شما:

کارگر عرب، میثم آل‌مهدی.